

نقش لابی یهود در سیاست خارجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما: دکتر اصغر کیوان حسینی

دانشجو: رحیم بابازاده

اشاره:

اکثریت دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل که در مورد روابط خارجی قلم فرسایی کرده‌اند، سیاست خارجی را بیان منابع ملی در مقابل ملتهای دیگر به صورت مطلق و یا رقابتی بیان می‌کنند.

اگرچه تصمیم‌گیرندگان نقشی اساسی را در فرایند سیاستگذاری خارجی ایفا می‌کنند نباید تصور کرد که هدفها و منافع ملی بدون مقدمه از اذهان سیاستگذاران تراوش کرده است، بلکه به صورت سیاستها و جهت‌گیریهای خاص به مورد اجرا درمی‌آیند. در بسیاری از موارد این تصمیم‌ها محصول تجربه‌های تاریخی، اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک، وضعیت ژئوپلیتیکی و کارکرد نظام بین‌الملل است. بدین ترتیب اهم این عوامل را باید مورد بررسی قرار داد تا درک سیاست خارجی و نیز سیاست بین‌المللی آسان‌تر شود.

عناصر مؤثر بر سیاست خارجی در هر کشور عبارت‌اند از:

ارزشها، اعتقادات و ارزشهای جوامع، ساخته و پرداخته فرهنگی، فرهنگ سیاسی،

تربیت، فرایند جامع‌پذیری سیاسی، تبادل فرهنگی و تجربه‌های شخصی است.

مجموعه این متغیرها معیارهایی را برای ارزیابی رفتار خود و نیز اعمال دیگران را به دست می‌دهد و همچنین ارزشها در اکثر موارد دلایل و توجیهاتی را برای اخذ تصمیمات و تعیین هدفها توسط سیاستگذاران فراهم می‌آورد. زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، تصویر کلی از سیاستهای بین‌المللی، برداشتهای گروههای ذی‌نفع، مشکلات داخلی و افکار عمومی، نیازهای داخلی، ساختار نظام بین‌المللی، نوع حکومتها، ساختار حکومتها و ... همه این موارد نقشی اساسی در اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی دارند.

سیاست خارجی آمریکا که مبتنی بر ایجاد موازنه براساس منافع و آرمانهای داخلی و اهداف خارجی کشور شکل گرفته است، در فرایند مهم تصمیم‌گیری سیاستگذاری خارجی آمریکا به عنوان عوامل و عناصر کلیدی نقش‌آفرینی می‌کنند. در این میان باید از نقش خاص گروه‌های لابی یهودی در روند تصمیم‌سازی کلان خارجی آمریکا، بویژه در رابطه با کشورهایی همچون ج.ا.ایران سخن گفت. بدون تردید لابی یهودی از طریق تأثیر بر روند سیاست‌سازیهایی مربوط به ایران که در کنگره، شورای امنیت ملی و کابینه جریان دارد، بر جهت‌گیریهایی آمریکا نسبت به ایران تأثیر مشخصی داشته است. مهمترین صحنه‌های نقش‌آفرینی لابی یهود را باید در رابطه با آن طیف از سیاستها و ملاحظاتی مورد توجه قرار داد که به توانمندیهای تکنولوژیکی و نظامی ایران مربوط می‌شود. بر این اساس شناسایی این روند اثرگذاری و پیامدهای آن برای توانمندیهای دفاعی ج.ا.ایران بسیار مهم خواهد بود.

سازماندهی تحقیق

این تحقیق در پنج فصل و یک کتابنامه به رشته تحریر درآمده است. در *فصل اول* طرح مسأله، پیشینه موضوع بررسی شده است. در ادامه، این پژوهش می‌خواهد به این سؤال جواب دهد که: لابی یهود در روند تصمیم‌سازی خارجی آمریکا در ارتباط با توانمندی ملی ج.ا.ایران، به چه میزان و از چه طریق و با چه سازوکارهایی اقدام می‌کند؟ ضمن اینکه هدف پژوهش این است که با توجه به وجود کاستیها و فقدان تبیین علمی پاسخگویی موضوع فوق در ادبیات سیاسی و متون موجود به بررسی عوامل کلی سیاستگذاری آمریکا در رابطه با ج.ا.ایران با تأکید به نفوذ لابی صهیونیست در تصویرسازی‌های مستقیم و غیرمستقیم علیه ج.ا.ایران، بپردازد.

فرضیه‌ای که نویسنده در پی اثبات آن است نیز عبارت است از لابی یهود بویژه ایپاک تأثیر مستقیم بر تصویرسازی در سیاستهای منطقه‌ای (خاورمیانه) آمریکا علیه ج.ا.ایران دارد.

فصل دوم این پژوهش مربوط به ساختار یا چارچوب نظری است که به بررسی نظریه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی پرداخته است؛ که ضمن بحث مقدماتی در خصوص این محور، محورهای دیگر چون ۱- تعیین مرزهای سیاست خارجی؛ ۲- متغیرهای مؤثر بر تصمیم‌گیری که خود شامل متغیرهای فردی، متغیرهای نقش‌گرایانه، متغیرهای دیوانسالارانه، متغیرهای ملی، متغیرهای نظام‌گرایانه یا سیستمی را نیز به

صورت مفصل بررسی کرده است؛ ۳- معیارهای تصمیم‌گیری؛ ۴- شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری؛ ۵- بهره‌گیری از امکانات و منابع اطلاعاتی؛ ۶- ساختار نظام تصمیم‌گیری و فشارهای درونی و بیرونی، را به بحث گذاشته است. در ادامه، پژوهشگر به راه‌حلهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی پرداخته و پیامدها، محدودیتها و انواع مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را نیز آورده است.

و در آخر نهادهای تأثیرگذار بر فرآیند تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی با تأکید بر گروه‌های ذی‌نفوذ را مورد مذاقه قرار داده است.

در فصل سوم پایان‌نامه به نهادها و مراجع مؤثر بر سیاستگذاری خارجی آمریکا بویژه گروه‌های ذی‌نفوذ، لابی صهیونیسم می‌پردازد، از آنجایی که در فرآیند تصمیم‌گیری سیاستگذاری خارجی آمریکا، افراد، نهادها، سازمان‌های گوناگونی دخالت دارند که هر یک تحت شرایط خاصی و در نظام‌های سیاسی مختلف دارای نقش‌های متفاوتی هستند. محقق نقش‌های این نهادها و سازمانها را در سه رویکرد؛ ۱- اعمال، اختیارات و حوزه‌های فعالیت و دستگاه‌های مؤثر بر فرآیند سیاستگذاری، ۲- شناخت اوضاع و احوال داخلی کشور، نظیر وضع و نقش ایدئولوژی ملی، نیازهای اقتصادی و سیاسی، ۳- نظام بین‌المللی و محیطی که بازیگران بین‌المللی و آمریکایی در این صحنه نقش آفرینی می‌کنند را، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

در فصل چهارم پژوهش نقش لابی یهود در فرآیند سیاستگذاری خارجی آمریکا بحث شده است. نویسنده ضمن تعریف واژه لابی، تاریخچه مهاجرت یهودیان در جامعه آمریکا، عوامل موجب گرایش جامعه یهودیان به آمریکا، که از مبانی اعتقادی مشترک، تلافی منافع آمریکا و لابی یهود در قبال دولت صهیونیست و ضرورت صیانت از آن، جایگاه لابی در قانون اساسی آمریکا، و ... توضیح می‌دهد و در ادامه ایپاک نافذترین لابی یهود را به‌طور خاص مورد توجه قرار داده است و در جهت اثبات فرضیه خود آورده است که؛ حیطة عمل لابی ایپاک نه تنها سیاست درون آمریکا که سیاست بین‌الملل این کشور را نیز دربرمی‌گیرد. حمایت از رژیم اشغالگر قدس و مقابله با کشورهایی که با این رژیم روابط دوستانه ندارند مدنظر این طیف بوده و دولت آمریکا را وامی‌دارد که با تزریق کمک‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی بر توان آن بیفزاید.

فصل پنجم تحقیق به مواضع ایپاک (لابی یهود) علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و ضمن آوردن مقدمه در این فصل به علل مخالفت و تعارض ایپاک،

لابی یهود با ج.ا.ایران و مخالفت و تقابل ج.ا.ایران با این رژیم می‌پردازد و مواضع تحریمی ایپاک علیه ج.ا.ایران را در دکترینهای ریاستنهای جمهوری آمریکا از جمله ریگان، و اقدامات تحریمی ریگان علیه ج.ا.ایران تحت فشار این لابی، و نقش لابی یهودی در مواضع بوش پدر علیه ج.ا.ایران، نقش لابی یهودی در مواضع کلینتون علیه ج.ا.ایران و اقدامات تحریمی کلینتون تحت فشار این رژیم در سال ۱۹۹۵ پرداخته است. در آخر فصل نیز سازوکارهای مورد استفاده ایپاک علیه ج.ا.ایران اشاره می‌نماید که مهمترین آنها در آمریکا عبارت‌اند از: ۱- قوه مجریه؛ ۲- کنگره آمریکا، ۳- سازمان جاسوسی سیا، ۴- مطبوعات و رسانه‌های جمعی آمریکا.

در آخر پژوهش نیاز کتابنامه پژوهش برای راهنمایی و اطلاع‌رسانی استفاده‌کنندگان این پژوهش آورده شده است.

مهدی زرولدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی